پرچم
ناشراندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان
شمارهٔ (سی‌ودوم) دوشنبه۲۹میزان ۱۳٤۷ ه ۲۱ – اکتوبر ۱۹٦۸

درود گرم بخلق ویتنام

دافغانستان د خلکو دموکراتیک قوت دویتنام له‌خلکو سره‌دپیوستون دهفتی په‌مناسبت، دامپریالیستی او امریکایی تیری کوونکو د پلیدی جگړی پر ضد، دویتنام د قهرمانو او مبارزو خلکو د عادلانه جگړی بشپړملاتړ او طرفداری اعلاموی.

دویتنام قهرمانو خلکو !

تاسو نړۍ والو ته‌ثابته‌کړیده‌چه کله‌یو ملت (که‌څه هم هر څومره کوچنی وی)دیوی عادلانه چاری او د آزادی دمقدس آرمان له‌پاره دډیرو ستروقوتونو پرضدجنګیږی، نه‌ماتیدونکی دی !

ستاسو بری دهر راز ستاینی وړ دی ! موږ دزړه له کومی د ویتنام وطنپالونکو ته‌مبارکی وایو چه ماتوونکی گذارونه دشمن ته‌ورکوی او موږدویتنام دخلکو په قطعی بری ددوی په عادلانه مبارزه کی دمتجاوز پر ضد بشپړ ډاډ لرو .

نیروی دموکراتیک‌خلق افغانستان بمناسبت هفتهٔ همبستگی با خلق ویتنام ،پشتیبانی و طرفداری کامل خود را از پیکار عادلانه خلق قهرمان ومبارز ویتنام علیه جنگ پلید امپریالیستی وتجاوز کاران آمریکائی اعلام میدارد .

خلق قهرمان ویتنام !

شما بجهانیان ثابت کردید ، که وقتی ملتی (ولوهر قدر کوچک هم‌باشد) برای امری عا دلانه‌وآرمان مقدس آزادی علیه بزرگترین نیرو ها میجنگد، غلبه نا پذیر است !

پیروزی‌های‌شما شایان هر گونه تحسین است ! ما از صمیم قلب وطنپرستان ویتنام را تبریک‌میگوییم که ضربات درهم شکننده ئی رابر دشمن وارد می آورند . ما به پیروزی قطعی خلق ویتنام درمبارزه عادلانه شان علیه متجاوز اطمینان کامل دا ریم !

بیاد شهیدان ۳عقرب

پرچم ناشر اندیشه های‌دموکراتیک خلق افغانستان ، بمناسبت یاد بود سومین سال شهیدان ۳ عقرب ، بخاطره تابناک آن فرزندان مبارز وطن که جانهای خودرا درراه آزادی وطرد استبداد قربان کرده اند ، به تمام وطنپرستانی که‌در راه تحول ودموکراسی فعالانه شرکت میکنند درودگرم میفرستد و بمناسبت این روز المناک‌وبخاطر خونبهای شهیدان این روز تاریخی از تمام نیرو های ملی، دموکراتیک و ترقیخواه وطنپرست واز تمام روشنفکران ، جوانان و محصلان آزادیخواه وطن دعوت میگردد که اتحاد و همبستگی خود را بخاطر پیروزی نهضت دموکراتیک و ملی ضد استبداد وضد ارتجاع و ضد امپریالیزم چون چشمان خود حفظ کنند و تفرقه ، نفاق و تفتین را میان خود راه ندهند .

پرچم د افغانستان د خلکو د دموکراتیکو افکارو خپرونکی ، دعقرب د دریمی دشهیدانو په یاد ، د وطن د هغو مبارزو زمنو دخلاندی خاطری لپاره چه خپل ځانونه یی د آزادی او استبداد دطرد په لاره کښی قربان کړل ، هغو ټولو وطنپالونکو ته چه د دموکراسی اوتحول په لاره کی فعالانه گډون کوی ،تاوده درودونه استوی او د دی غمجنی ورځی او ددی تاریخی ورځی دشهیدانو دخونبها په خاطر ، له ټولو ملی ، دموکراتیکو ، ترقی غوښتونکو وطنپالو قوتونو او دهیواد له ټولو آزادی غوښتونکو منورینو ، زلمیانو او محصلانو څخه غوښتنه کیږی چه د ضد استبداد ، ضد ارتجاع او ضد امپریالیزم دموکراتیک ملی نهضت د کامیابی په خاطر خپل اتحاد او همبستگی لکه خپلی سترگی وساتی او جلا والی ، نفاق او تفتین پخپل مینځ کی پری نږدی .

م ، ا ، خیبر

بخاطر هفته همبستگی با خلق ویتنام

از آغاز ظهور طبقات استثمار گرواستثمار شونده ، بشریت شاهدهزاران جنگ وگواه قربانی صدها ملیون انسانی بوده که طبقات‌ستمگر برای تامین منافع آزمندانهٔ‌طبقاتی‌خویش بر انسانیت تحمیل‌نموده‌اند. ولی در طول تاریخ کمتر جنگی‌وحشیانه تر ، ظالمانه ترونارواتراز جنگ ویتنام دیده شده است .

عظیمترین نیروی جهان امپریالستی با بیش از یك ملیون عسکرمسلح ومجهز با عصری ترین سلاح وتجهیزات، در برابر یك ملت خوردولی قهرمان ، مظلوم‌ولی‌مبارزه‌ازبرو بحر وهوا دست بتعرض زدوصحنه کم‌نظیر ترورو آدمکشی رابه‌بهانه‌دفاع‌از «آزادی ودموکراسی» بمیان آورده‌وسیلی از اشك وخون را در کشوری جاری ساخته است که جز آزادی، دموکراسی ، صلح وترقی ، هیچ آرزوئی ندارد ، بر هیچکس تعرض نکرده و نمی خواهد متعرض‌باشد.

از همینجاست که جنگ ویتنام توفانی از نفرت وخشم مقدس همه بشریت مترقی وصلحدوست ، روحانیون شریف ، جوانان وروشنفکران وبالاخره همهٔ افراد باوجدان و بشر دوست را علیه متجاوزین ومتعرضین در تمام‌جهان، بشمول‌ایالات‌متحدهٔ‌امریکا، برانگیخته است . ولی امپریالیزم‌امریکاوهواداران آن علی رغم اعتراض‌افکارعامهٔ جهانیان ومردم شریف وصلح خواه امریکا ، با وجود تلفات وخسارات سنگین مالی وجانی‌ایکه برمیدارند، با لجاجت وبیباکی ، باین جنگ تجاوز کارانهٔ خویش ادامه میدهند وروز بروز بر شدت ووسعت آن‌می‌افزایند . آنان حاضر نیستند به شکست های پیهم نظامی و سیاسی خویش اعتراف نمایند و باین‌جنگ باخته ، خاتمه دهند .

امپریالیستها موفق نیستند به بهانه های«خطر کمونیزم»ودفاع از «جهان آزاد» افکارعامهٔ جهانرا فریب دهند و باز هم بروی ماهیت تجاوز کارانهٔ جنگ ویتنام واهداف شوم استعماری جدید خود پرده بیاندازند .

۱٥۰ نفر حقوقدان از ۳۸ کشور جهان (به شمول امریکا)درکنفرانس «گرینوبل» واقع در فرانسه ،درختم مباحثات خود راجع به جنبه های حقوقی جنگ ویتنام ، طی اعلامیه‌یی اعلان نمودند که : «جنگ ایالات متحده در ویتنام ، عبارتست از انکشاف اشکال مختلف مداخلهٔ امریکایی که سابقاً در آن‌کشورعملی گردیده است » درین اعلامیه‌راجع به اهداف امپریالستی مداخله‌درویتنام گفته می شوذ که منظور ازین‌مداخله « به اسارت در آوردن ویتنام‌جنوبی وتبدیل آن بیك مستعمرهٔ تیپ‌جدید واستعمال آن بحیث پایگاه ، بغرض توسعهٔ عملیات بسوی شمال» میباشد .

هرگاه کرونولوژی‌حوادث ویتنام از ۱۹٦۰ باینطرف تدقیق ومطالعه گردد ، بوضاحت معلوم می شود که آنچه باعث جنگ بین‌ایالات‌متحده

(ص ۳)

ببرك كارمل

درسهائی از نهضت اعتصابی کارگران کشور ما

نهضت چند ماهه اخیر اعتصابی کارگران کشور (بعد از اول‌سی)مهمترین وظیفه‌ئی رادربرابر ما قرار داده است که از کلیه وظائف مهم‌دیگر بمراتب‌مغلقتر،مهمتر،پرافتخارترو پیشرو تر است. درك درست وگرفتن درس صحیح ازین نهضت‌نوین امریست بس ضروری وخلاق.

هم اکنون نهضت جوان کارگری‌وطن ما در معرض آزمایش دشواری‌قرار دارد و هر گاه کارگران ما از لحاظ ایدئولوژی و سیاسی‌حاضر السلاح نباشند، بمشکل‌میتوانند ازین آزمایش تاریخی پیروزمندانه بیرون آیند.

طی چند سال اخیر شیفتگی عمومی جوانان تحصیلکرده و محصلان به تئوری علمی وایدئولوژی طبقه کار گر و گرایش نسبی آنان بسوی کار گران (بموازات جنبش خود- بخودی کارگران)دربیداری‌روح زندگی ومبارزه کار گران کشور نقش قابل ملاحظه ابرا ایفا کرده است که در نتیجه کارگران‌توانستند،خوشبختانه بدون سپری‌کردن دوره نهضت‌مطلقا خود بخودی طغیان آمیز (حتی میتوان گفت) پا بمرحله نهضت«آگاهانه» بگذارند. ولی مع الوصف نهضت اعتصابی اخیر کشور بیشتر شکل جنینی آگاهانه را در بر دارد و ناگزیر خالی از اشتباهات ونواقص نمیباشد. که بمنظور در نظر داشتن ورفع آنها در آینده جوانب نامساعد آنرا بشکل فورمولبندی شدهٔ زیرین یادداشت مینمائیم :

ـــ کارگران تجارب لازم‌درزمینه نهضت اعتصابی نداشته و مبارزه شان با تشتت و پریشانی فکری همراه بوده‌است .

ـــ نهضت بدون تشکیل واتحادیه های کار گری ورهبری علمی‌وآگاهی سیاسی ، حرکت میکرد.

ـــ همبستگی و روابط مستحکم میان کار گران یك حوزه کار گری وسراسر کشور وجود نداشت و تاکنون ندارد.

ـــ بعضاً طی‌اعتصاب، خواستهای اقتصادی کار گران، بخصوص خواستهای نهائی آنان، بدون‌مطالعهٔ اوضاع واحوال و تشخیص شرایط با قطعیت تام و بصورت فوری مطالبه میشد. باین معنی که کار گران بدون تفریق مطالبات حد اقل وحداکثر خویش،شیوهٔ واحدمبارزه‌را درهردومورد تعقیب مینمودند وبعضاً در جریان اعتصاب و تظاهرات، شعار ها از چوکات هدف معین‌مبارزه خارج میگردید، این وضع بهانه ئی بود بدست ارتجاع، تا نه تنها به خواستهای قانونی کار گران‌جواب مثبت ندهد، بلکه فرصتی را بدست آورد تا بسرکوبی آنان بپردازد.

ـــ نهضت اعتصابی ، تظاهرات خیابانی، راه پیمائی های مسالمت‌آمیز، بدون در نظر گرفتن زمان لازم، بیش از اندازه طول میکشید وبعضاً کار گران در وضعی قرار میگرفتند که‌تکلیف‌خودرا نمیدانستند ونیروی مقاومت را از دست میدادند.

(ص ۲)

ضرورت اشتراك روشنفکران

در سیاست

روشنفکران و جوانان در عرصهٔ کنونی جهان نقش روز افزون وبا اهمیتی را در مسایل اجتماعی و سیاسی کشور ها ایفاء میکنند .این نقش در شرایط فعلی که مسایل اجتماعی پیچیده‌تر گردیده‌وتیزبینی، هوشیاری ،وتفکرسالم‌علمی‌را ایجاب میکند، اهمیت‌بیشتری‌کسب‌مینماید. گروهی ازین قشر که از تئوری پیشرو عصر ما، ملهم گردیده اند ، در جریانات ونهضت‌های ملی و مترقی وحیات‌سیاسی فعالانه‌شرکت میورزند. در حالیکه گروه دیگری از ایشان باپیروی ازایدئولوژی های‌پو- سیده وبورژوائی درجبههٔ ضد منافع مردم قرار میگیرند . بهر حال‌طغیان وناراضائیتی‌های‌جوانان وروشنفکران یکی از مسایل بغرنج اغلب کشور ها را تشکیل میدهد . بخصوص مساله موقعیت ونقش جنبشهای روشنفکری در کشورهای کم رشد، موضوع جدی ومورد بحث ماست. چه غالبا این جنبش ها با نهضت- های ملی و مترقی این کشور ها ارتباط وپیوند عمیق بهم میرسانند. به همین جهت‌در برابرآنها از طرف حکومت ها و محافل ارتجاعی موانع وتضییقات سنگین ایجادمیگردد و تلاش میشود که به نحوی از انحا جنبشهای‌روشنفکری از نهضت‌های ملی ومترقی تجرید گردد وبرپایهٔ استدلال ضعیف وغیر علمی ، روشنفکران گروهی‌مجرد وبی پیوند باجامعه معرفی گردند، تا نتوانند وظائف وطنپرستانه‌و دموکراتیك را که در برابر خود دارند، به انجام رسانند .

نهضت های روشنفکری امروزبا قرون گذشته تفاوت زیادی دارد ، زیرا اکنون‌این نهضت‌ها در کشور- های کم رشد غالبا در یك صف با نهضت های دموکراتیك عمومی ، خصلت ضد استعماری و ضد امپریالیستی را،علاوه برخصوصیت ضد استبدادفئودالی آن حایزمیباشد که هدفهای مشخصی چون تامین و تحکیم استقلال ملی ، ایجاد اقتصاد وفرهنگ ملی را در برابر خود قرار میدهد وبا ارتجاع داخلی و خارجی ضدیت دارد ، در حالیکه در گذشته روشنفکران تنها در برابر دشمنان

(ص ۲)

دملگرو ملتو په‌ټولنه کی

دپښتونستان مسأله

لـه شل کلن تعلل او تذبذب ،وخت اړولواوډیرو قیمتی وختونوله‌بایللونه وروسته ، د افغانستان ، پښتونستان او بلوچستان د خلکو دعامه افکارو دشدید فشار له کبله اود افغانستان د ملی او مترقی قوتونو د زړ ورو مبارزو په نتیجه کښی اوهمدا راز د دیورند دتحمیلی کرښی‌نه ښکته ، دپښتونستان د ملی آزادی بخښونکی نهضت د پیاوړی‌کیدو او پراختیا له کبله ، په ملگروملتو کی دافغانستان نماینده مجبور شو ، چه د ملگرو ملتو په عمومی‌غونډه کښی د پښتونستان د ملت‌د سر نوشت دټاکلو د حق موضوع مطرح کاندی .

دی طرحی د پښتونستان مساله، د افغانستان او پاکستان تر منځ دیوی متنازع فیها مسالی له حدودو څخه را وایسته او د ملگرو ملتو په ټولنه کښی یی په جهانی سویه د بحث مورد وگرزوله .

موږ په داسی حال کښی چه د پاکستان د نماینده هذیان بی منطقه او استعماری «دفاعیه» وینا په کلکه سره ردوو ،داخبره دیادولو وړ بولو چه استعمارچیان دتل لپاره پخپلو ترلاس لاندی ملتونوکښی خپل‌عمال او خپل مزدوران ددی لپاره روزی او تقویه کوی ، چه د استعمار دنطاق او بریخی په حیث دملتونو په نمایندگی تظاهر وکړی او که ممکنه شی دیوی مرحلی لپاری دنړیوال ذهن وغولوی . مگر هغه ملتونه چه تر استعماری اسارت لاندی د ملی آزادی بخښونکو نهضتونو په ترڅ کی ، انقلابی او ضد استعماری مبارزات پرمخ بیایی ،حتماً او حتماً

(٤ مخ)

زموږ خلك جامی نلری

زموږ خلك غذا نلری ، تاتوبی نلری ، روغتیا نلری ! سواد نلری ، خوله دی سره سره جامی هم نلری: داسی سیمی لا په هیواد کی شته دی چه خلك یی د حیواناتو پوستکی اغوندی .

په بدخشان ، هزار جات ،ننگرهار پکتیا او ځینو نورو سیمو کښی د بزگرانو او وزگارو خلکو د جامو حال ډیر خراب‌دی ، پدی سیمو کی داسی وگړی ډیر دی چه یو جوړ جامی کلونه ـ کلونه اغوندی ، پدی جامو کی دومره پیوندونه لگیدلی وی چه داصلی ټوکر او پیوندونو تشخیص پکښی مشکل او حتی نا ممکن وی .

د افغانستان د خلکو یوه ستره برخه دخوب په وخت کښی جامی باسی‌اولوڅ څملی‌اوداددی لپاره چه‌د جامو د زړیدلو مخه ونیسی .

د افغانستان زیات خلك پر بندی پښی گرزی ، حتی د پایتخت په واټونو کښی کله ، کله هغه نارینه او ښځی لیدل کیږی چه‌پښلی پښی روان وی ،کوچیانی میرمنی اکثره خپل اوږده موسمی مزلونه په لوڅو پښو تعقیبوی ، کڼاوی او دخامو څرمنو سوکلی د افغانستان په کلیو کښی لا بوره د احتیاج وړ دی . د وطن په سړو سیمو کښی د تودو بوټونو او موزو دنه‌لرولو له کبله ، دژمی په موده کښی ډیر لاروی عیبی کیږی او د پښو او گوتو د سوځیدلو په آفت اخته کیږی .

داسی برگنی لا په‌هیواد کښی شته‌چه دیخنی په شپو کی خپل ماشومان دحیواناتوتر مرطوبوا خوشیواوسرو لاندی بری باسی او پدی توگه یی له‌مرگه ساتی . په‌کلیو کښی‌ زراعتی مزدوران د ژمی په شپو کښی‌دتودو جامو د نلرلو په‌علت ، په غوجل کی له حیواناتو سره څملی او پدی توگه ځان تودوی .

داسی خلك هم ډیردی چه دسر خولی یی دخیرو پوتو تکی نیولی دی او د خولی اصلی رنگ یی په خیرو کی ورك شویدی .

د بدخشان په ځینو سیمو کښی داسی خلك شته دی چه په یوه کلی کښی په گردو سره داغوستلو له پاره څو محدودی جامی لری او کله چه کوم سر کاری سړی ، سپاهی یا پردی میلمه راشی بیا نو دا جامی یو یا څو تنه وا غوندی او هغوی ته را وزی . او یادا‌چه کوم کلیوال لری سیمو ته دتگ ضرورت پیدا کاندی نو دغه مشترکی جامی وا غوندی او له کلی نه وځی څیری .

حتما او نور وطنی نکران زموږ د

(۲مخ)

پرچم
دافغانستان دخلک دموکراتیک افکارو خپرونکی
۲۹ میزان ۱۳٤۷

کار فرمایان اخلالگر در برابر کارگران دست به تهدید

وشانتاژهای جدید میزنند

از چندی باینطرف کار فرمایان فابریکات نساجی ، با استفاده از ضعف دستگاه حکومت ، بهمکاری عناصر مرتجع ودست راستی‌دولت، بصورت بسیار مزورانه ، انتباهی بدستگاه دولت‌داده‌اند که‌گویاامنیت، نظم وحتی قدرت اداره ، در اثر اعتصابهای کار گران از بین رفته ودیگر ممکن نخواهد بود، بدون‌ایجاد رعب و اعمال تشدد مجدداً امورکشور را تحت کنترول در آورد .

آقایان بالا نشین محافل حاکمه که هیچگونه رابطه‌ئی باخلق کارگر کشور ندارند، این‌حرفهای فتنه ـ انگیز را میشنوند ودساتیر خود را براساس آن‌صادر می نمایندو‌بخاطر یکعده آسوده حالان استثمار گر واوضاع آنان ، بهترین ووفادار ترین فرزندان وطن را که‌با عرق پیشانی وخون دل‌در اعمار کشور مصروفند، موردسر زنش ، تحقیر، حبس،اخراج ازکارو... قرار میدهند. این روش در برابرکار گرن حوزه- های صنعتی‌شبرغان، کندز،گلبهار، جنگلك و پلخمری‌بیش‌از همه‌تطبیق میگردد .

چنانچه درین اواخر عده ئی‌از کار گران اخراج شده از نساجی پلخمری را ازخانه ها بشکل فجیعی میرانند. این کار گران که بصورت غیرمترقبه منفك شده اند وفرصتی برای ترك خانه ها ضرورت دارند، توسط «پولیس امنیه» از خانه ها رانده می شوند واگر جزئی ترین مقاومتی از خود نشان دهند ،کالا ولوازم‌شان از خانه بجاده پرتاب می شود و در ینمورد هیچگونه ملحوظی از «قانون ، دیانت ، آدمیت، هموطنی وغیره» ایکه استثمار گران مدعی‌آنند جلو بیرحمی وخود سری‌ایشان‌را گرفته نمیتوانند .

علاوهٔ کار فرمایان نساجی کار- گران شبکار را روزانه ، وکار گران روزکار را شبانه ازخانه های شان توسط پولیس، بصورت تهدید آمیز، حضار نموده وبرایشان اعلام‌میکنند که :«ما کلانها وافسقالهای شما را در بدر واخراج کردیم واگرالدکترین حرکت خلاف منافع موسسه ازشما سر بزند ، شما را نه تنها از کار برطرف خواهیم کرد، بلکه‌زندان هم در خدمت شما خواهد بود وهیچ قدرتی نمیتواندشما را نجات دهد.»

سوال اساسی این است که در همچو وضع ماجراجو ، اخلالگر ، قانون شکن وناقض امنیت کیست؟ مسلماً کار فرمایان وسوداگران دلال وکمپرادور وبروکراتان‌ستمگر ورشوه ستان !

اعتصاب محصلان پولی تخنیك

بخاطر بهبود شرایط تحصیلی

خبرنگار پرچم از پولی تخنیك اطلاع میدهد که بروز شنبه (۲۰ میزان) محصلان وطنپرست این مرکز نوین علمی در صحن آن انستیتوت اجتماع نموده و ضمن بیانیه های پر حرارتی تصمیم گرفتند تا بخاطر بهبود شرایط تحصیل ، بخصوص بخاطرتامین گرید تدرسی به اعتصاب مسالمت آمیزی دست بزنند .

فردای آن (۲۱ میزان) محصلان پولی تخنیك طی‌قطعنامه‌یی به‌ریاست انستیتوت خاطر نشان کردند که‌اگر بخواست های اصولی صنفی شان جواب مثبت داده نشود ، مسؤولیت آن بعهده اداره پولی تخنیك خواهد بود .

معهذا ریاست پولی‌تخنیك طی اعلان غیر رسمی که بروز سوم اعتصاب کرد،نتوانست باینموضوع برخورد درست ومثبت نماید . بنابرآن محصلان قطعنامهٔ دیگری صادر وآنرا توسط نمایندگان منتخب خویش به ریاست پولی تخنیك سپردند که تا کنون مقامات مسؤول به‌آن جواب مقنع و مثبت نداده اند .

در جریان اعتصاب رئیس پولی تخنیك ضمن مصاحبه‌یی که با خبر نگار روزنامه کاروان (شماره ۲۲ میزان) انجام داد اعتراف کرد که: «...در پوهنځی انجنیری فعلا سیستم گریدت بطور امتحانی تطبیق میشود ......»

محصلان میگویند : به هر حال اعم از «امتحانی» ویا استثنایی ،اصولا محصلان پولی تخنیك نیز باید از عین گریدت برخوردار باشند .محصلان پولی تخنیك همبستگی واتحاد خود رابا پوهنځی انجنیری و زراعت اعلان داشته اند وعلاوه میکنند که « اعتصاب ما روی پرنسیب است‌نه علیه محصلان وطنپرست و هم صنف ما پوهنځی انجنیری».

مضحك است ! در یك پوهنتون دو شیوه ودو برخورد متضاد (!) که در نتیجه باعث تفاوت میان محصلان وطنپرست وپوهنځی انجنیری و پولی تخنیك گردیده است .

محصلان پولی تخنیك بجواب‌این ادعا که میگویند : «... طبقه ناکامان پولی تخنیك دست به اعتصاب زده ودیگران را نیزبسوی خود میکشند» تصریح میکنند : «این ادعا از ریشه غلط است، تمام محصلان پولی‌تخنیك بدون در نظر گرفتن کوچکترین اختلاف درسی‌وایدیولوژیك، بااتحاد وهمبستگی کامل واستواری اصولی بشکل مسالمت آمیز درین اعتصاب شرکت دارند» چنانچه ضمن مخنرانیهای خویش بارها تصریح کرده اند که :« پیگیری، استواری واتحاد راز پیروزی در مبارزه‌ماست، وحدت و فشردگی‌صفوف خودراچون مردمك چشم حفظ میکنیم ».

خبر نگار پرچم علاوه میکند که محصلان پولی تخنیك همه روزه از ساعت ۸ صبح تا ۱۲ ظهر با شور وشوق‌درمیتنگها ضمن ایراد بیانیه- ها واشعار پر شور والهامبخشی خواستها ،وهدفهای مشترك صنفی خویش رازدر مورد تامین سیستم گریدت درسی بدون امتیاز ، برای همه پوهنځی ها، تشکیل اتحادیهٔ محصلان وانتقاد از آن قسمت از مواد قانون پوهنتون‌که ضدآزادیهای مصرح در قانون اساسی می باشد، تصریح واعلان می نمایند .

اعتصاب محصلان پولی تخنیك تا کنون (شنبه ۲۷ میزان) که‌این خبر را بچاپ می سپاریم با همبستگی و اتحاد نظر وعمل واستواری ادامه دارد ومحصلان آگاه، وطنپرست هیچگونه تفتین، تفرقه واختلافات را در میان خود اجازه نمیدهند .

پرچم : مستحکم باد اتحاد وهمبستگی محصلان کشور !

سیمای جهان

در هفته گذشته

ملل متحد :

نیویارك : ښاغلی عبدالرحمن پژواك نمایندهٔ افغانستان‌درملل‌متحد طی بیانیه‌ئی مبارزه خلق پښتونستان‌را در راه حق تعیین سر نوشت خویش مطرح و جنگ پلید ویتنام راشدیداً محکوم کرد .

وی خروج فوری عساکر اسرائیل‌را از خاك های اعراب تقاضا نمود . او گفت : اگر سازمان ملل متحداقدام فوری و جدی نکند ، حیثیت و اعتبار ملل متحد لطمه خواهددید.

ـــ محمود ریاض وزیر خارجه جمهوریت عربی متحد در سازمان ملل متحد اظهار داشت : امپریالیزم امریکا در شرق میانه و شرق دور مداخلات زیاد میکند. او این‌سیاست امریکا را مورد انتقاد شدید قرارداده وگفت امریکا در شرق دور (ویتنام جنوبی) از یك دسته عناصر مستبد وظالم حمایه میکند که ایشان حتی به وطن و ملت خود خیانت میکنند .

درشرق میانه از یکدسته عناصر ماجرا جو پشتیبانی و آن ها را تقویه می نماید و به اثر همین پشتیبانی و تقویه است‌که اسرائیلی ها سرزمین اعراب را غصب‌کرده‌اند.

• • •

هفتهٔ همبستگی با خلق ویتنام :

براساس فیصلهٔ کنفرانس‌فوق‌العادهٔ سازمان همبستگی خلقهای افریقا وآسیا و بنابر دعوت شورای صلح جهانی (از ۱٥ تا ۲۱) اکتوبر (۲۳ تا ۲۹) میزان هفته همبستگی باخلق قهرمان و مبارز ویتنام‌برگذار شد . این برگزاری در سر تاسر جهان ، بخصوص در کشور های سوسیالیستی و سازمانهای مترقی و انقلابی جهان تجلیل گردید .

• • •

در یمن جنوبی : حکومت توده‌ئی یمن جنوبی تصمیم گرفته است تا برای تمام دهقانان بی زمین ، زمین توزیع کند و جهت تقویه بنیهٔ مالی دهقانان وام های مناسب برای دهقانان بدهد .

رژیم جدید یمن جنوبی زمین‌های زیادی را بین دهقانان توزیع کرد و جهت تقویه امور زراعت یك بانك بزرگ زراعتی تاسیس نمود .

درچند روز اخیر ، ۹٤۲ خانواده از همه زمین های توزیع شده‌استفاده کرده ، برای هر خانواده ٥ ـ ۳ هکتار زمین داده شده است . این زمین ها از فئودالهای سابق بود .

• • •

ماسکو :

کمیتهٔ مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی حسب معمول شعار- های عنعنوی خودرا بمناسبت‌پنجاو- یکمین سالگرهٔ انقلاب اکتوبر انتشار داد . این شعار ها مهمترین مسایل بین‌المللی و حیات داخلی اتحاد جماهیر سوسیالستی شوروی را در برمی گیرد .

بسیاری از شعار ها خطاب به ملل آسیا ، افریقا و امریکای لاتین می- باشد . در یکی از شعار ها گفته میشود : « زنده و مستحکم باد اتحاد نیرو های سوسیالیزم وجنبش آزادیبخش ـ مقدمه پیروزی‌درمبارزه خلقها علیه امپریالیزم ، بخاطر استقلال ملی ، آزادی ، دموکراسی وسوسیالیزم ـ »

اتحاد شوروی تقویهٔ همبستگی خلق شوروی را باملل عرب که « علیه تجاوز امپریالیزم ، بخاطر بیرون کشیدن عساکر تجاوز کاراسرائیلی از مناطق اشغال شده اعراب مبارزه میکنند ، اعلان می نماید . »

« ملل جهان ! باتصمیم قاطع از دولت ایالات متحدهٔ امریکا میخواهند که بجنگ تجاوز کارانه خویش‌علیه ملت آزادی دوست ویتنام فوراخاتمه دهد .»

در شعار ها به خلقهای دول ملی جوان ، خلقهای کشور های مستعمره ووابسته که در راه آزادی واستقلال ملی مبارزه میکنند ، مبارزین راه ـ آزادی که در زندانهای ارتجاع و فاشیزم بسر می برند ، درودفرستاده شده است .

در شعار ها به خلقهای کشورهای سوسیالیستی و سیستم جهانی سوسیالیستی درود وشادباش گفته شده است .

خلقهای کار گر کشور های سوسیالیستی تشویق گردیده تا در راه تقویه دوستی و اتحاد و مبارزه کنند و در برابر دسایس دشمنان سوسیالیزم‌هوشیارباشند. وهمچنان در شعار ها به طبقهٔ کار گر کشور- های سرمایه داری‌درود فرستاده‌شده

کمیتهٔ مرکزی حزب کمونست‌است .

ـــ در روز های ۱٤ ـ الی ۱٥ اکتوبر بین نمایندگان دولتی اتحاد شوروی و چکو سلواکیا مذاکراتی در فضای صمیمیت و رفیقانه بعمل آمد و بر یك سلسله مسایل مورد علاقه ، من جمله‌اقامت عساکر شوروی فیصله بعمل آمد .

بین زعمای اتحاد شوروی و چکوسلواکیا قراردادی راجع‌به‌اقامت نیرو های شوروی در چکو سلواکیا بامضا رسید که مجلس شورای ملی چکوسلواکیا نیز آنرا تصویب کرد .

ـــ پودگورنی طی پیامی ازرئیس جمهور اندونیزیا خواهش نموده که حکم‌اعدام عناصر مترقی‌اندونیزیا را لغو کند .

• • •

مطبوعات لبنان فروش طیارات نوع فانتوم به اسرائیل را موردبحث قرار دادند

روزنامهٔ « الدینا» مینویسد که ایالات متحدهٔ در نظر دارد طیارات جت جنگی ماورای سرعت صوت نوع فانتوم خودرا بالای اسرائیل بفروش برساند و این امر نشان میدهد که امپریالیزم امریکا بطور علنی‌به‌تجاوز کاران اسرائیلی کمك می کند و این کمك از اجرای فیصله نومبر شورای امنیت راجع به حل بحران شرق میانه جلوگیری می نماید .

روزنامهٔ مینویسد که ایالات متحده خواست توسعه طلبی و نقشه های تجاوز کارانه اسرائیل را تشویق می نماید . امپریالیزم‌امریکائی‌اعراب راباجت های جنگنده و کشتی های جنگی خویش‌تهدید می نماید . ایالات متحده بطوور کامل مسئوول خونریزئیست که در شرق عربی جریان دارد .

روزنامهٔ «لبیرق» مینویسد ، که تصمیم پریزیدنت جانسن در بارهٔ تهیه نمودن طیارات جت جنگی‌فانتوم به اسرائیل تمام مساعی حل صلح- جویانه پروبلم شرق میانه را خنثی می نماید .

روزنامه «الشهاب» مینویسد :که این‌اقدام‌رئیس‌جمهورامریکا ماموریت نمایندهٔ مخصوص سرمنشی‌ملل‌متحد ښاغلی یارینگ را به ناکامی‌مواجه می سازد و ضربهٔ ایست در برابر فیصله شوری امنیت .

اشغال مناطق عربی از طرف اسرائیل‌باعث آن‌شده‌که (٥۲٥۰۰۰) عرب آواره گردد . در مناطق تحت اشغال وضع روز بروز خراب ترشده میرود ، محابس از اعراب پر شده است . پولیس اسرائیل به دختران وزنان عرب تجاوز میکنند و اموال شانرا غارت می نمایند .

کمیسیون آوارگان ملل متحد از ښاغلی اوتانت سر منشی ملل متحد خواهش کرده است که جهت جلو- گیری از خود سریهای اسرائیل و بهبود وضع اقدامات فوری بعمل آورد .

محصلان پوهنځی زراعت دست باعتصاب زدند

اعتصاب محصلان وطنپرست پوهنځی زراعت که به تاریخ ۱٦میزان آغاز شده بود تاهنوز (شنبه ۲۷ میزان) ادامه دارد . شاگردان روی مطالبهٔ صنفی خود که «سیستم کریدت» در امتحانات را میخواهند ، هنوز جداًبافشاری‌واصرار میورزند .

پوهنځی زراعت در شرائطکشور ما یکی از مهمترین پوهنځی ها بوده ومحصلان آن اغلب فرزندان زحمتکشان اطراف وروستا های کشور میباشند .

شاگردان‌ضمن مطالبه‌خود میگویند: علی‌رغم آنکه این پوهنځی مانند پوهنځی انجنیری با پوهنتون «وایمنگ» امریکا توامیت دارد ،ولی در مورد‌امتحانات به صورت استثنائی از «سیستم‌کریدت» محروم شده وتابع سیستمی گردانیده شده‌است که عدم موفقیت محصلان،را باوصف کوشش‌های زیاد وآمادگی- های مداوم محصلان تقریباً به ٥۰ فیصد مشمولین پوهنځی بالا برده است .

قرار معلوم محصلان با برخی ازمسؤولین پوهنتون مذاکره کرده‌اندولی‌قناعت شان‌فراهم نشده ، ونیز مراجعهٔ آنان به وزارت معارف به نتیجه‌ئی نرسیده است . یك اطلاع دیگر میرساند که وزیر معارف مراجعهٔ دستجمعی محصلان را رد نموده و حاضر نشده است‌باایشان وارد گفتگو شود .

محصلان ضمن میتنگ هائیکه درطول اعتصاب دائر نموده‌اند ،همه‌گی را بهضرورت اتحادنیرومند به‌خاطر رسیدن به مطالبهٔ‌عادلانهٔ خود متوجه‌ساخته وپیهم اعلام‌کرده اند که تاگرفتن نتیجه ، متحدانه به مقاومت ومطالبهٔ خود ادامه خواهند داد .

اتحاد و همبستگی محصلان پوهنځی زراعت مایه تقدیروستایش‌همگانی‌وضامن پیروزی در بهبود شرایط تحصیلی آنانست .

په خوست کی دمیخانیکی او دارالمعلمین

ښوونځیو اعتصاب وکړ

له یکښتنه‌وارسیدلی خبرونو څخه ښکاری چه د میزان په ۱٤ او ۱٥ نیټه دخوست ددارالمعلمین او میخانیکی ښوونځیو شاگردانو دځینی صنفی غوښتنو له کبله اعتصاب وکړ او نوموړو زده کوونکو داحتجاج په‌توگه دمیزان په ۱٤ نیټه‌په ښوونځیو کی دغرمی ډوډۍ لهخوړو نه ډډه وکړه .

خبرونه وایی چه‌د اعتصاب دپاره ددوو ښوونځیو په‌دی وروسته په مظاهره بدل شواو‌په‌پای کی زده کوونکو یوه پنځلس‌فقره‌یی قطعنامه صادره کړه او له حکومت نه‌یی غوښتنه وکړه چه دقطعنامی مواد په نظر کی‌ونیسی اوددی ډول مشکلات رفع کاندی .

دقطعنامی په‌یوه ماده کی ویل شوی‌دی چه جرمنی معلمان سم کار نکوی .

(دلومړی مخ پاتی)

دملگرو ملتو په‌ټولنه کښی...

ددی استعماری مزدورانو له خیرونه پرده پورته کوی او د امپریالیزم داراز هواداران له نورو متجاوزینو او منحرفینو سره یو ځای د تاریخ دبدنامانو هدیری ته سپاری .

د پښتونستان اوبلوچستان رینبتونی اوواقعی نمایندگان هغه کسان دی چه له نیمی پیړۍ را په دیخوا د پول هندوستان بیا په تیره د پښتونستان او بلوچستان دخلکو د ملی آزادی بخښونکی نهضت په گټه او د برتانیی او د هغه دخلف پاکستان د استعمار او امپریالیزم او دامریکی د متحده ایالاتو په مشری د سیټو اوسنټو په وجودکی دجهانی امپریالیزم پرضد ، د مبارزی په لومړی صف کی دریدلی دی .

موږ‌پداسی حال کی چه‌دپښتونستانیو او بلوچستانیو ورونو خلکو ، د سر نوشت دټاکلو د حق کلك ملاتړ خپله دملی او بین المللی وظیفه بولو ډاډ ورکوو چه پدی لاره کښی به د پښتونستانیو او بلوچستانیو ورونو خلکو سره ، په یوه سنگر کی اوږ په اوږ وجنگیږو او له هغوی سره به‌په گډه دا ملی او دموکراتیك آزادی بخښونکی انقلابی مبارزه ، د استعمار ، استبداد او ارتجاع پر ضد په یوه پراخه جبهه او سنگر کی پر مخ بوزو .

واشنگتن :

قهرمانان صلح در خارج قصر سفید در « لافایت پارك » بر جادهٔ که از قصر سفید می آید ، بطرفداری از مارش اعتراضیه افراد نظامی و متقاعدین‌کالیفورنیا علیه جنگ‌ویتنام بمظاهره پرداختند .

این مظاهره از جانب « لیگ افراد نظامی برای آزادی و صلح » که در این اواخر در واشنگتن ، بمنظور حمایت ازافراد پایگاه هوائی‌اندژیوز که از اشتراك در جنگ ویتنام ابا ـ می‌ورزند ، تاسیس شده ، تنظیم گردیده است . مظاهر ضد جنگ در افراد نظامی اردوی امریکادوشادوش مبارزه در راه حقوق‌مدنی‌پیش‌میرود.

درتابستان‌گذشته‌سربازان سیاه- پوست واقع فورت هود از اجرای ماموریت جزائی‌علیه مظاهره‌مسالمت آمیز شیکاگو امتناع ورزیدند .

ـــ پرتاب‌اپولوی۷موفقیت بزرگ دانشمندان امریکائی بشمار میرود . برای تکمیل این سفینه فضائی ٤۰۰ ملیون دالر مصرف شده است .

پرچم
هره دوشنبه خپریږی
دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر :
سلیمان لایق
آدرس:غوثی مارکیت.محمدجان‌ـ خان واټ
کابل ـ افغانستان
دیوی گڼی‌بیه: ٥۰ر۲ـ افغانی
دولتی مطبعه

اگرراست باشد قابل محاکمه است

میگویند ماموران موظف دولت آباد که مامور خریداری ۱٥۰۰۰۰ سیر(هر سیر دولت آباد دو سیر کابل است) گندم به صورت خوش خرید میباشند ، گندم مذکور را فی سیر ٥٤ ـ ٥٥ ـ ٥۷ ـ افغانی از مردم خریداری می کنند وفی سیر هفتادافغانی‌ازدولت مجرایی‌میگیرند. مادر مورد این‌گفته تامل میکنیم،ولی موضوع راجداًقابل تحقیق وبازپرس‌ومسؤولین را قابل محاکمه میدانیم.

به سلسله مضمون طبقات ومبارزه طبقاتی

مبارزه طبقاتی

و همزیستی مسالمت آمیز

رویزیونیستها ی معاصر و دگماتیستها ماهیت اصل همزیستی مسالمت آمیز را تحریف کرده وادعا مینمایند که همزیستی مسالمت آمیز به معنی آشتی خصومتها میان سوسیالیزم و سرمایه داری ، میان کار و سرمایه ورد مبارزه طبقاتی و انقلاب سوسیالیستی میباشد.

نیرو های مترقی پیشرو،قهرمانان صلح و دوستی اند وبطور انرژتیك (فعالانه) مبارزه انقلابی وآزادیبخش ملی را به پیش میبرند . مبارزۀ انقلابی و رهائی بخش ملی بامبارزه درراه صلح مباینت ندارد ، چه تمام اشکال مبارزه با هم داراي ارتباط متقابل اند .

همزیستی مسالمت آمیز ، نه خصومت(انتاگونیزم) بین سوسیالیزم وسرمایه داری را از میان بر میدارد ونه مبارزۀ طبقاتی رانفی میکند . نیرو های مترقی پیشرو معتقد به این امراند که فقط مبارزه طبقاتی وانقلاب سوسیالیستی که عالیترین شکل این مبارزه است، باعث انهدام سرمایه داری وایجاد جامعۀ جدید سوسیالیستی میگردد. ایشان تردیدی ندارند که همزیستی مسالمت آمیز برای مبارزه طبقه کارگر بین المللی علیه بورژوازی تسهیلاتی را فراهم میآورد، جنبش جهانی سوسیالیستی رابسط و توسعه میدهد ودر امر انتقال سرمایه داری به سوسیالیزم کمك مینماید . به همین جهت در بیانیه جلسۀ ۱۹۶۰ اعلام گردیده است که:«همزیستی دول دارای سیستمهای مختلف اجتماعی شکلی از مبارزه طبقاتی بین سوسیالیزم و سرمایه داری میباشد .»

یکی از تضاد های حاد سرمایه داری ، تضاد میان کار و سرمایه است که در مبارزۀ طبقاتی ، در مبارزه بین پرولتاریا وبورژوازی متبارز میگردد . این مبارزه راه طولانی و دشواری را از عملیات پراکنده ونا منظم گروه های کوچك کارگران در صبحگاه جنبش سوسیالیستی گرفته، تا نهضتهای کارگری به مقیاس بین المللی ،پیموده وبا تشکیل سیستم جهانی سوسیالیزم ، مبدل به مبارزه بین سیستم های سرمایه داری و سوسیالیستی گردیده است که تمام ساحه های فعالیت بشري ـ اقتصادی سیاسی وایدئولوژیکی را در بر میگیرد .

محور مبارزه بین دو سیستم را رقابت مسالمت آمیز اقتصادی بین سرمایه داری و سوسیالیزم به مقیاس جهانی تشکیل میدهد که این رقابتیست به خاطر بلند ترین آهنگها و پیمانۀ رشد صنعتی وفرهنگی . با تکامل خود ، این مبارزه نشان میدهد که فقط سوسیالیزم قادر به ارضاء خواست های مادی و فرهنگی روز افزون خلق میباشد .

سیاست همزیستی مسالمت آمیز به شکل مبارزۀ سیاسی بین دو سیستم (با پشتیبانی همه جانبه کشور های سوسیالیستی از تمام اشکال مبارزه برای آزادی اجتماعی وملی، برای دموکراسی وسوسیالیزم) تبارز میکند . این سیاست راه را جهت مبارزه خلق کارگر کشور های سرمایه داری علیه استثمار هموار میسازد، که موفقیت آن با جنبش وسیع اعتصابی در کشور های سرمایه داری وبارشد جنبش بین المللی سوسیالیستی و کارگری ثابت گردیده است .

همزیستی مسالمت آمیز مبارزه آزادیبخش ملی را کمك مینماید ، و در دوران صلح بسیاری از کشورهای آسیائی وافریقائی آزادی خودرا از تحت تسلط استعمار بدست آورده اند، انقلاب خلق در کیوبا به پیروزی رسید وخلقهای آزاد شده امکان آنرا به دست آوردند که حیات ملی شانرا تجدید نمایند ودر تعقیب طریق رشد غیر سرمایه داری به پیشرفتهائی نایل آیند .

باید خاطر نشان ساخت ،بهمان پیمانه ایکه همزیستی مسالمت آمیز زمینه مساعد را برای مبارزه طبقاتی در کشور های سرمایه داری و برای جنبش رهائی بخش ملي در کشور های مستعمره ووابسته ایجاد مینماید، دست آورد های مبارزه طبقاتی و جنبش رهائی بخش ملی نیز به امر تحکیم همزیستی مسالمت آمیز کمك میکند .

(ترجمه)

خلق پیروز میشود

نیرو های ارتجاعی و ستمگر یکه در کشور ما صاحب قدرت اند ،هر روز برای بقای حیات طفیلی و دفاع از منافع غارتگرانه خویش دسیسه های جدیدی میآفرینند و در برابر رشد جریانات مترقی و دموکراتیك موانع تازه ئی ایجاد میکنند . آنها که از بسط وتوسعۀ جنبش نجات بخش ملی و شعور سیاسی وطبقاتی توده ها سخت درهراس اند ، برای جلوگیری از این پروسه رشد یابنده تلاش های فراوان مینمایند ودر این راه هیچ وسیله ئی را فرا گذاشت نمیکنند .

سعی میورزند تا عناصر مترقی، مبارزان ملی وصدیقترین و بهترین فرزندان مردم افغانستان را به عناوین مختلف بدنام سازند ، بر آنها چاپ های گونا گون میزنند، اتهام می بندند ،دروغ می بافند وواقعیت ها را تحریف میکنند ،تا بدینوسیله مبارزین دلیر وسر سپردۀ راه نجات خلق کشور را از توده ها تجرید نمایند

ایدئولوژی ها ونظرات مختلف ارتجاعی و مسموم کننده رابه غرض گمراهی توده ها انتشار میدهند و ماهئیت پدیده ها وپروسه ها را قلب نموده ، غیر از آنچه در واقع است مینمایانند ، تا مردم را فریب دهند وتحمیق نمایند . حتی نمایندگان مزدور خود را در بین مردم میفرستند تا با پخش افکار انحرافی خویش جنبش را بکوره راه بکشانند .

در برابر عناصر آگاه جامعه از تطمیع، تخویف، تهدید و فشار ، تا وارد آوردن بزرگترین ضربات دریغ نمی نمایند، تا از این راه یا وجدان شانرا آلوده سازند ویا آنها را بترسانند واز اشتراك در پراتیك (عمل) مبارزه اجتماعی بنفع زحمتکشان باز دارند .

در فابریکه ها ،در ادارات و مؤسسات دولتی ، در تشبثات خصوصی، در کانونهای فرهنگی ، عرفانی و علمی و غیره، اشخاص شریف و ملی را به نام «عناصر نا مطلوب، تخریبکار واخلال گر نظم جامعه »ازکار، تحصیل و تامین معاش محروم میسازند وحتی آنها را در محاکمه های دستوری به جزا های مختلفی محکوم مینمایند .

علاوتا دستگاه حاکمه ارتجاعی افغانستان ،که دائما در خدمت طبقات استثمارگر جامعه قرارداشته اند برای آنکه این اعمال ضد ارزشهای مصرح در قانون اساسی و ضد انسانی وضد آزادیهای دموکراتیك خود را شکل باصطلاح «قانونی» بدهند ، بر اساس اراده های شخصی وخواست های طبقاتی خویش تلاش می ورزند، تا ساحه مبارزات سیاسی واشتراك درفعالیت ها وتعیین سرنوشت آینده را بر مردم تنگتر وعمر ارتجاع ، استبداد ، استثمار وفساد را چند روزی طولانی تر ساخته باشند .

واقعیت اینست که منافع طبقاتی حدودی نمیشناسد. مردم افغانستان بر جبین این اعمال خود سرانه ضد دموکراتیك و ضد منافع مردم کشور داغ باطل میزنند و آنرا دلیرانه محکوم مینمایند .

باید خاطر نشان ساخت که راه رشد جنبش رهائی بخش و نهضت ملي ودموکراتیك کشور را نمیتوان با هیچ مانعی سد کرد . توده ها هر روز آگاهی بیشتر میآبند و برای مبارزه تجهیز میشوند . طبقات ارتجاعی وستمگر جامعه که خلقهای وطن ما را بیرحمانه می چاپند محکوم بزوالند.

این قانون عینی تکامل جوامع انسانی است و قوانین عینی بسته آرزو های فردی و اراده های ذهنی اشخاص نیست . نقش اشخاص در قبال این پروسه عینی فقط میتواند برای کند ساختن ویا تند نمودن آن موثر باشد .

ما ایمان کامل داریم که خلق افغانستان ونیرو های مترقی و پیشترو آن در پرتو جهانبینی علمی راه خودرا از میان همه موانعی که ارتجاع مکار وحیله گر ، سیاه و ستمگر، درراه آن ایجاد میکند، بسوی پیروزی ، به سوی هدف نهائی و بسوی تحقق آرمانهای عالی و مقدس خلق خواهد گشود .

برای نیل باین آمال بزرگ وظیفه حکم می نماید که هیچگاه زنجیر اصولیت را در جریان مبارزه ونهضت از دست ندهیم، روابط دیالکتیکی در بین قطب های مبارزه را دقیقاً تشخیص داده وآنرا به صورت خلاق در شرایط مشخص جامعه ملی خویش بکار ببریم .

ب.رنجبر

از (ص اول)

ضرورت اشتراك روشنفكران...

داخلی عصیان مینمودند .

نهضت های روشنفکری کنونی حاوی خصوصیت هائیست که از شرایط این کشور ها نشأت نموده است . مثلا وجود رکود اقتصادی . فقر و بیماری و بیسوادی که ارمغان استعمار برای ملت هاست ، روشنفکران این کشورها را درمبارزات پیگیرتر از گذشته وارد مینماید.

نکته قابل توجه اینکه:چون جذب تمام روشنفکران از توان دولت های پوسیده خارج است و ارضای ملی وواقعی نیاز مندیهای قشر های تحصیل کرده، به نسبت عدم هم آهنگی اقتصاد عقب مانده میسر نمیباشد .لذا زمینه برای گرایش روز افزون آنها به جنبش آماده میگردد . از جانب دیگر روشنفکر امروز شاهد مداخله های آشکار و پنهان امپریالیزم وارتجاع بین المللی در امور کشور های خود و کشور های دیگر است ، تعرض ومداخله امپریالیزم در امور داخلی وبر حاکمیت ملی این کشور ها و ایجاد اختناق درساحه ملی، توسط ارتجاع وهوا داران داخلی امپریالیزم ، روشنفکران وجوانان این کشور ها را ناگزیر به پشتیبانی از جنبش دموکراتیك و ملی میکشاند وعده ئی از ایشان ایدئولوژی طبقه کارگر را فرا گرفته ودر عمل مبارزه به دفاع از موقف و منافع طبقات استثمار شونده ومحروم این کشورها اشتراك میورزند و در همین موقعیت است که از حمایت خلق ها نیز برخوردار میگردند .

ولی بالعکس آنگروهی از «روشنفکران» که در موقف ضد منافع مردم و دردفاع از ارتجاع داخلی وامپریالیزم سقوط میکنند ، محکوم خلق و تاریخند .

روشنفکران بصورت عمومی علاوه بر ساحه ملی ،در ساحه بین المللی نیز در جهت حفظ صلح و تحکیم روابط دوستانه بین ملت ها مسؤولیت هائی دارند. سازمان هائی چون فدراسیون جهانی دموکراتیك جوانان، فدراسیون بین المللی محصلان ، جمعیت بین المللی هواداران صلح ، شاهد فعالیت های بین المللی روشنفکران است .

تاریخ مبارزات ملی ما مبین این حقیقت است که روشنفکران وطن پرست کشور در چندین مرحله از نهضت ضد استبداد، ضد ارتجاع و ضد استعمار فعالانه اشتراك ورزیده اند . اکنون که جنبش دموکراتیك عمومی ضد فئودالیزم و ضد امپریالیزم وطن ما به مرحلۀ نوینی ازرشد وتکامل خویش وارد میگردد ، از همه بیشتر لزوم شرکت فعال روشنفکران آزادیخواه ووطنپرست کشور را در سیاست و نهضت دموکراتیك و ملی دریك جبهه وسیع، دردفاع ازمنافع خلق افغانستان ایجاب مینماید .

ع.نیمروز

(دلومړی مخ پاتی)

زمونږ خلق جامی ...

خلکو متوسطه جامه ده ، مگر له بده مرغه چه همدا وطنی جامي هم د امریکایي زړو لیلامي جامو د ترویج په اثر ورځ تر ورځ له رواجه لویږی او هغه لاسی صنائع چه زموږ دتیرو نسلو نو ضرورتونه به یی پوره کول د همدی خارجی زړو کو دزیات ورود له کبله ، شنډ شویدی ، او همدا اوس چه دا لاسی صنائع په مرگ محکوم دی ، امپریالیزم او د هغه داخلي دلالان قدم په قدم ددی زړو لیلامیو بیه زیاتوی او همدااوس ددی ورستو ټوکرانو بیه نږدی د نویو ټوکرانو سطحی ته رسیدلی ده .

په هیواد کښی دننه د نساجی ماشینی صنایع له امپریالیزم سره د رشوت خورو بروکراتانو او سود خور ودلالانو دمرستی له کبله مخ په سقوط ځی او نشی کولای چه د گمرکی حمایی دنښتوالی سره سره له خارجي مالونو سره رقابت وکړی .

ددی لپاره چه دولت په کلی توگه د داخلی نساجی صنایعو په باره کښی سم پروگرام او حمایوی سیاست ولری ، نو داخلی نساجی داسی وده نشی کولای چه د خلکو اړتیاوو ته مثبت ځواب ورکړی .

د جامو په برخه کښی چه د انسانانو دژوندیوه لومړنۍ اړتیا ده زموږ عقیده داده ، چه تر ځو دنساجی صنائع ملی نشی او گمرکی حمایه ورسره نه وی او تر ځو دامپریالیزم د بی جلبه وارداتو په مقابل کی د هیواد دماشینی او لاسی نساجی سم پروگرام طرح نشی او اوسنی اجتماعی مناسبات د نویو غوښتنو سره سم تغییر ونکړی ، هیڅکله به زموږ بربنډ او بی وزله خلك په تن پټ نشی .

سلیمان لایق

از (ص اول)

درسهائی از نهضت اعتصابی...

ـــ بعضی اوقات در اثر مداخلات نادرست و غیر اصولی جریانات مختلف سیاسی وبنابراختلاف میان آنها، بخصوص فتنه انگیزی ارتجاع در زمینه، موجب آن میگردید که کارگران به جهت های مختلف سازشکاری راست و ماجراجوئی کشانیده شوند و در نتیجه ارتجاع فرصت میبافت که بغرض ایجاد بدبینی و تولید یاس درمیان کارگران به نفتین بپردازد.

باوصف اینکه در جریان نهضت اعتصابی اخیر کشور نواقصی ـ اجتناب نا پذیر در اوضاع و احوال کنونی ـ در کار بود اما با افتخار باید یاد آور شد که این نهضت درمجموع خود مشحون از شور و شوق مبارزه، ازسهای آموزنده و گرانبها ، درخشان و خلاق بوده است.

درسهای آموزنده ، پر افتخار ودرخشان نهضت جوان اعتصابی کشور :

ـــ بطور کلی کارگران در هر اعتصاب (در شرایطی که فتنه انگیزی نمیتوانست میان کارگران رخنه کند) از خود چنان انضباط کارگری، همبستگی، برادری، رفاقت، نظم ، اصولیت، هشیاری، دلیری وقهرمانی نشان میدادند که شاید در تحت شرایط مشابه کمتر نظیری درجهان داشته باشد .

ـــ در جریان اعتصابات وتظاهرات مسالمت آمیز خیابانی نمونه هائی از همبستگی کارگران بادیگر طبقات و اقشار دموکراتیك اعم از دهقانان، پیشه وران، روشنفکران بملاحظه رسیده است که در تحت شرایط مشابه باز هم در جهان کمتر سابقه دارد.

ـــ بعضاً در نهضت اعتصابی مسالمت آمیز کشور ، مطالبات اقتصادی با مطالبات سیاسی توأم میشد، که البته از لحاظ شرایط وتاکتیك باعث تحریك ارتجاع میگردید، ولی از لحاظ دورنمای آینده نهضت کارگری کشور طلایۀ درخشان و باعظمت مبارزه را نشان میداد و درك ماموریت تاریخی،قدرت پیشآهنگی و صلاحیت رهبری طبقه کارگر(پرولتاریا)ی کشور را در نهضت دموکراتیك و ملی آشکار میساخت .

• اینها درسهای بزرگ، پر افتخار وگرانبها نیست از نهضت اعتصابی وطن ما !

جهت تصریح موضوع با خاطر نشان ساخت، بار ها بملاحظه رسیده است که وقتی نهضت مسالمت آمیز اعتصابی تبدیل به تظاهرات و مارشهای مسالمت آمیز خیابانی گردیده است، دیگر زحمتکشان شهر وده و روشنفکران نیز بسوی کارگران رو آورده اند. کارگران آگاه و روشنفکرانیکه به تئوری مترقی وایدئولوژی طبقه کارگر معرفت نسبی داشتند ، چنان قدرت رهبری و پیشآهنگی بینظیر و آموزنده ئی از خود نشان داده اند که باعث اعجاب و ستایش عموم گردیده است وارتجاع را از جا تکان داده و حتی در بعضی قسمت ها آنراوادار بعقب نشینی ومجبور به قبول مطالبات اقتصادی کارگران گردانیده است .

حمله ارتجاع به نهضت اعتصابی کارگران :

بعد ازینکه نهضت اعتصابی و تظاهراتی مسالمت آمیز و قانونی کارگران کشور طی پنجماه(درحدود چهل اعتصاب و تظاهرات و مارش صورت گرفت و در آن بیش از سی ـ هزار کارگر صنعتی، معدنی و ساختمانی شرکت فعال داشتند) مؤقتاً فرو نشست، هیات حاکمه ارتجاعی دست به اقدامات آتی زد:

ـــ با ایجاد فضای اختناق وفشار بیسابقه، تمام مؤاکز کارگری راتحت نظارت دقیق قرار داد .

ـــ اغلب خواستهای قانونی وتعهداتیکه کارفرمایان و آمرین پروژه ها ووالی ها و نمایندگان محلی حکومت و حتی وکلای شوری سپرده بودند، زیرپا گذاشته شد .

ـــ درحدود بیش از هفتاد کارگر آگاه از فابریکه جنگلك ،مطبعه دولتی فابریکه نساجی گلبهار، فابریکه سیمین زر قندز، پروژۀ استخراج نفت وگاز شبرغان و غیره بطورغیرقانونی به اشکال توطئه آمیزی باز داشت ویابه محاکمه های دستوری کشانیده شدند.

ـــ درحدود بیش از (۶۰۰) کارگر ـ آگاه ، تکنیسین ، انجنیر و کارگران شعبات از کار اخراج و به لشکر تقریباً صد هزاری کارگران ماهر ونیمه ماهر بیکار و بینوا سوق داده شدند .

ـــ ساده ترین حرکات ورفت وآمد های کارگران تحت تعقیب قرار گرفت .

ـــ هرگونه وسائل بکار برده شد تادراثر تحقیر ، توهین ،تعذیب جسمی تهدید ، فشار وآزار کارگران را به تسلیم وادارند.

ـــ « فهرست سیاهی»از کارگران آگاه ترتیب و به اغلب موسسات تولیدی و ساختمانی اطلاع دادند تا بآنان کار داده نشود.

رهنمودهای مبرم روز برای نهضت کارگری :

مسلم است ماهیتاً هیات حاکمه ارتجاعی کشور نسبت به طبقات زحمتکش و در راس آنها طبقه جوان کارگر از خود کینه خاصی نشان میدهد و در هر مورد و در هر زمینه بمحض اینکه خود را با اجتماع قانونی و مسالمت آمیز خلق کارگر مواجه ببیند ، بدون تردید به دسیسه واختناق وحتی به سر نیزه توسل میجوید . لذا از آنجائیکه هنوز تناسب قوا از یکسو بنفع ارتجاع سیاه کشور است و از سوی دیگر نهضت کارگری کشور از لحاظ کمی وکیفی کوچك وفوق العاده جوان

(ص۳)

بار سنگین مالیات

بدوش خلق است

نظام موجود مالیاتی باید تعدیل شود:

نظام مالیاتی موجود در کشوردر مجموع خود با منافع خلق هیچگونه هماهنگی ندارد .بار سنگین مالیات غیر مستقیم هرروز فشار بیشتر بر دوش خلق کشور وارد میآورد. مالیه دهندگان اصلی مالیات غیر مستقیم، اکثریت عظیم توده های مردم اند . ولی ازآنجائیکه مردم از پرداخت آن آگاهی صحیح ندارند، هیات حاکمه پیوسته تلاش میورزد تا میزان آنرا بطور روز افزون بالا برد وکسر در عواید دولت را ازین محل تلافی نماید .

محصول وعوارض گمرکی بر اموال وارداتی که قسمت عمده عواید دولت را تشکیل میدهد ، از طرف تاجر پرداخته نمیشود، بلکه بوسیله تاجری که بین مولد ومستهلك دلالی بیش نیست ـ از مصرف کنندگان که توده های مردم اند،حصول میگردد. همچنین عواید حاصله از طریق فروش اموالیکه در انحصار دولت است ، نیز قابل ملاحظه میباشد .

معمولا اینگونه اموال مانند پترول شکر وغیره از قیمتی که بمردم فروخته می شود بمراتب ارزانتر بدست دولت میرسد، اماجهت تامین سود بیشتر چند برابر قیمت تمام شد، بر مردم تحمیل میگردد .

مالیات غیر مستقیم بسود ثروتمندان وزیان مردم بیچیز تمام میشود . زیرا قسمت اعظم آن بشکل محصولات گمرکی ، محصولات انحصاری ،. مالیات بر فروش وغیره معمولا بر اجناسی تعلق می گیرد که مورد نیاز ومصرف عامه است و احتیاج ثروتمند وفقیر در موردآنها تفاوت زیادی ندارد .

مثلا یك خانواده ثروتمند باعاید حد اوسط روزانه هزار هاافغانی ویك خانواده عادی کارگر روز مزد با عاید ناچیز روزانه ۲۵ـ افغانی،چای شکر ، نمك، صابون ودهها جنس دیگر لازمی برای ادامه زندگی را، باید تقریباً یك برابر یابا تفاوت کوچك بمصرف برسانند وبا آنکه عواید آنها نا متساوی است ، ولی درینصورت هردو به یك اندازه مالیات خواهند پرداخت

سنگینی بار عواید ناچیز و شرم ـ آور دولت که از طریق مالیات مستقیم درنظر گرفته شده است، قویاً بدوش زحمتکشان وصاحبان دارائیهای کوچك میافتد . چه فقط اینها هستند که نمیتوانند از پرداخت آن شانه خالی کنند. اما طبقات دارا وثروتمند (ملاکین فئودال ، نمایندگی ها و کمپنی های خارجی وداخلی ، تجار بزرگ داخلی وخارجی ، صاحبان عواید بزرگ از درك کرایه منازل، آپارتمانها، سرای ها و غیره) به اشکال وحیل گونا گون ازپرداخت مالیات گریز مینمایند، مثلا تاجری که باید یکصد هزار افغانی مالیات بپردازد باتادیه دو سه هزار افغانی رشوه وترتیب اسناد جعلی وغیره میتواند از پرداخت آن سر باز زند ، در حالیکه دست زدن به چنین عملی از طرف یك مودی کوچك با مقدار مالیه دهی مثلا به اندازه یکصدافغانی میسر نیست،زیرا اونه جرات آنرادارد که به چنین عملی دست زند ونه برای وی صرفه ئی دارد. اگر قرار باشد مالیه دهندگان کوچك (که تعداد ایشان بسیار زیاد است واز طریق مالیات آنها قسمت اعظم عواید دولت از ناحیه مالیات مستقیم وغیر مستقیم تامین میگردد) نیز از زیربارمالیات گریز نمایند ، در ینصورت مجبور خواهند بود که بیشتر از مقدار مالیه دهی ، علاوه بر دردسر های گونا گون و توان فرساکه برای آنان درست خواهد شد، رشوه بپردازند. همچنان مالیات ناچیزی را که به تناسب عواید، ثروتمندان هم می پردازند ازطریق کار وحاصل دسترنج توده ـ های عظیم مردم تامین می گردد .

پس اینها ـ خلقها هستند که مالیه دهندگان اصلی جامعه اند .

درسالهای اخیر چون بازاراحتکار وسفته بازی خیلیها رواج یافته و مایحتاج عموم مردم در دست ملاکین بزرگ ارضی،محتکرین ،سودخواران وتاجران دلال میباشند، لذا ثروت های سرشاری بوسیله غارت آخرین رمق بینوایان براندوخته های نامشروع پارازیت ها ومفت خواران جامعه هر روز بیشتر از روز پیش افزوده میگردد ، بدون آنکه هیچگونه مالیات قابل توجهی ازین بابت عاید خزانه دولت گردد .

معهذا بمنظور تامین حد بسیار اقل» عدالت درین زمینه، بایدهر چه زود تر بادرنظر گرفتن عواید توده ها سیستم مالیات در کشور بصورت بنیادی بنفع توده های مردم تعدیل گردد وبار سنگین مالیات غیر مستقیم از دوش مردم برداشته شده وبمالیات مستقیم ومنجمله مالیات برعایدات اهمیت درجه اول داده شود . مالیات تصاعدی وضع گردد واز صاحبان دارائیها وعواید بزرگ مالیات لازم اخذ گردد .

غرجستانی

بوره

د «زواکی» کلی ته نیږدی، د «پارك» دخوړ په غاړه دکوچیانو یوه کوچنی کلی اړوولی وو . بی کوره او سرگردانه خلکو په بی خښتنه خمکو باندی تلمی کړل او دپسرلی شپی ورځی یی دباران په هیله همدلته تیرولی .

هیڅوك نه پوهیدل چه باران او خمکه به دی انویزانده او بی ټاټوبی پونده ووته دخپل سخاوت له خزانو څخه څه را وباسی که یه !

کله به چه دپراخ او هوار لویدیځ په سینه باندی دغروب سود پړ ونی وغوړیده ، لمونځ گذارو ښځو به خپل سرونه سر تور کړل او خدای ته به یی دباران سوالونه کول .

سخت کال راغلی و ،میږی به نه مړیدی او غواوو به له لوږی رمباړی وهلی .

خلکو به ویل چه دا قحطی د آخر زمان علامه ده او قیامت را نیږدی شویدی .

دژوند نه ټول نا مینده شوی وو، هر چا به د آخرت دعا کوله . په کلی باندی ورځ تر ورځی دویری اویاس تیاره غوړیدله او له دی تیاری سره هرڅه بد ښکارېدل . یوازی دکلی دماشومانو یارانه او هلی ځلی‌پرواز پاتی وی . بربنډ ماشومان به له لمرختو ترلمر لویدو پوری دکیږدیو خواته په لوبو بوخت وو او منډی را منډی به یی وهلی .

یوه ورځ چه په آسمان کی توری وریځی را پیدا شوی وی او سوړباد چلیده ، ماشومان تر یوی کیږدی لاندی را غونډ شوی وو ، د منبو ځای خبرو او خندی ونیو او مرکه پسی توده شوه ، سور گل چه لکه سپین کړی ژنغوزی لوځ لړو ، دملگرو مینځ ته یی ور ټوپ کړل : غلیشیء ،غلیشیء ، زه یوه پوښتنه کوم !

ـ نرهلك او ښه ملگری و ټولوغوږ ورته ونیو ـ دا زموږ خان څه شی خوری ؟

هلکانو شور بگت جوړ کړ. یوه ویل نغن ، بل ویل غوښه ، دریم ویل شودی غوړی چاوبل پوخه او څینو ویل شوروا .

سور گل دنفی سر وښوراوه او وی ویل دا ټولی خبری درواغ دی . گردو ماشومانو په یوه آواز وویل: نوته ووایه ، ته ووایه !

سور گل چه دغرور احساس ور پیدا شوی و ، په جدی اوقاطع لهجه یی وویل : بوره !

هلکانو په چوپیا کی یو بل ته سره وکتل او توریکی سمدستی پوښتنه وکړه : بوره څه شی دی ؟

سورگل وویل: بوره سپینه خوږه شگه ده ، په خوله کی ویلی کیږی او چه لمرته یی ونیسی لکه بکره ډیره ځلیږی .

نه کلن پردل چه غټی توری سترگی یی په اسکیرلی مخ کی لکه سوی عقیق ځلیدلی، دکیږدی له بری خوانه راټوپ کړل ، دسور گل مخ ته ودرید او په گړندی لهجه اوسوی سایی وویل: بوره ډیره خوږه ده ، ترگوړی هم خوږه ده ، گانه !

سور گل د تایید او منتی سر وښوراوه .

لاجمیر سورگل ته ور نیږدی شو اوپه نیولی آوازیی وپوښته: تابوره لیدلی ده ؟

هغه وویل : هو ما لیدلی ده .

ـ دا بوره ونه لری که بوټی ؟

ټولو نادی کړی ونه ،ونه !یوازی سپاندی ورو غوندی وویل : بوټی .

سورگل وخندل نه نه دا ټول درواغ دی . مامی ته ابا نه‌پوښتنه کړیده ، هغه‌راته ویل :دابه نیکمرغو خلکو باندی لکه واوره له آسمانه راووری .

ټولو دا خبره ومنله خو په دوی کی دبوری دلیدلو او خوړلو هوس پیدا شو .

سورگل وویل :که خدای زما ادی بیانا جوړه کړه او ابا بل‌وار کورته بوره راوړه ، ټول به خبرکړم چه زموږ کیږدی ته راشی او ویی گوری .

سپینتا

از (ص اول)

بخاطر هفته همبستگی ...

ومردم ویتنام گردیده . مداخلۀ امپریالستی در ویتنام میباشد . نه باصطلاح تجاوز از شمال. مقاومت شجیعانۀ مردم ویتنام وفتوحات درخشانیکه جبهۀ ملی آزادی بخش ویتنام جنوبی بدست آورده ، بطور واضح دلالت بر تجرید متعرض ومتحدین آن مینماید ونشان میدهد که جبهۀ ملی آزادیبخش ویتنام جنوبی یگانه نمایندۀ واقعی مردم ویتنام جنوبی میباشد که از سال ۱۹۶۰ باینطرف مبارزه وجنگ مردم ویتنام جنوبی را با اتحاد برادرانه ویتنام شمالی رهبری می کند .

در اعلامیۀ «گرینوبل» گفته میشود که مداخلۀ نظامی امپریالیزم درویتنام «جنگیست تجاوز کارانه وجنایتیست علیه استقلال وموجودیت مردم ویتنام» .

ویتنام شمالی کشوریست مستقل که بمباردمان آن از طرف طیارات امریکایی ، تجاوز صریح بر حقوق بین الدول محسوب میگردد ومسؤولیت شدیدیرا علیه عاملین آن متوجه میگرداند .

امپریالیزم بار ها اعلان نموده است که در جستجوی « صلح شرافتمندانه » در ویتنام میباشد ولی فراموش میکند که ادعای صلح شرافتمندانه صرف وقتی موضوع بحث شده میتواند که یك جنگ عادلانه در بین باشد ،جنگیرا که امپریالیستها در ویتنام پیش میبرند ،نه ازنظر حقوقی ونه از نگاه اخلاقی یك جنگ عادلانه میباشد واز طرف مردم شریف امریکا نیز به آن عنوان جنگ پلید داده شده است . یگانه راه تامین صلح شرافتمندانه در ویتنام اینست که امپریالیستها هرچه زود تر بمداخله غیر قانونی در آن کشور خاتمه دهند .

زمامداران امریکا ونمایندگان آن در کنفرانس صلح پاریس پیوسته میگویند که در صورتی بمباران ویتنام شمالی راقطع خواهند نمود که ویتنام شمالی عکس العمل مشابهی از خود نشان بدهد.هیات کمیتۀ حقوقدانان امریکائی یادداشتی به کنفرانس «گرینوبل» بی پایه بودن همچو تقاضا راازطرف حکومت امریکا کاملا آشکار ساخت . در یاد داشت حقوق دانان امریکا گفته می شود : از آنجا که بمباران ویتنام شمالی یك عمل غیر قانونیست ،تقاضای عمل مشابه ازویتنام شمالی هیچگونه اساس وبنیاد حقوقی ندارد . باید متعرض بدون قید وشرط به تعرض خود خاتمه دهد .

نیروی دموکراتیك خلق افغانستان بتأسی از سنن پر افتخار مبارزات ضد استعماری و ضد امپریالیستی خلقهای وطن واحد خود به تایید و پشتیبانی از فیصلۀ کنفرانس اضطراری سازمان همبستگی ملل آسیا وافریقا در قاهره وعکس العمل مثبت در برابر خواست شورای جهانی صلح ، همبستگی کامل خود را با خلق قهرمان ویتنام اعلام میدارد و یقین کامل دارد که مبارزات دلیرانۀ خلق مبارز ویتنام سر انجام پیروز می شود وهیچ قدرتی ، ولو هر قدر بزرگ هم باشد، نمیتواند جلو پیروزی نهایی جنبش آزادیبخش خلق ویتنام را بگیرد.این پیروزی حتمیست، نه صرف ازآنجهت که مردم ویتنام در راه حق قانونی خویش جنگ عادلانه ایرا پیش میبرند ، بلکه از جهتیکه ملت ویتنام درین مبارزه عادلانه وپیکار مقدس ملی خویش تنها نیست . در پشت سرخود تایید ،حمایت وپشتیبانی مادی ومعنوی همه بشریت ترقیخواه وصلحدوست سراسرجهان ودوستان صدیق وقدرتمند خودرا دارد .

از (ص ۲)

درسهائی از نهضت اعتصابی...

میباشد و تاکنون بمدارج لازم رشد سیاسی و طبقاتی خود نایل نیامده است ، لازم می افتد که با فراگرفتن درسها و تجارب گرانبهائی که از نهضت اعتصابی وتظاهرات مسالمت‌آمیز کارگران وطن بدست آمده خط مشی جاری فعالیت کارگران ،درجهت حصول مطالبات شان روشن گردد :

بعقیدۀ ما در وضع کنونی میتوان برخی رهنمود های مشخص و مبرم ذیل را برای قوتمندی مجدد نهضت کارگری کشورطرح کرد که برحسب آنها کارگران و عناصر آگاه وطن مطابق به تجارب خود میتوانند فعالیت خویش را استواری بخشند .

ـــ باید بدرجۀ اول میان خواست های فوری مطابق به قوانین موجود وخواستهای عمده تر بعدی کارگران فرق گذاشت .

به این معني که خواستهای قانونی را باید شعار فوری قرار داد ، ولی خواستهائ دیگری را که تاکنون در چوکات قانون کشوری آورده نشده است ، بدرجۀ دوم در دستورمبارزه گنجانید، تادولت ناگزیر بوضع قوانین دموکراتیك و مترقی کار و کارگری گردد . مبارزه در راه قسمت اخیر الذکر مطالبات باید با پیگیری وتحمل ، باهوشیاری کارگری صورت گیرد و زمان لازم مبارزه برای آن در نظر گرفته شود .

ـــ طبق مادۀ ۳۲ قانون اساسی، کارگران آگاه باید از همه اولتر در فکر تهیه و تدارك مقدمات تشکیل اتحادیه ها وسندیکا های کارگری گردند ، تا سلاح مقدماتي و قانونی مبارزه اقتصادی بدست آید و البته باید در نظر گرفت که ایفای این امر هوشیاری ، دقت و کوشش بسیاری را ایجاب میکند . همچنان باید مرامنامه و اساسنامه و فعالیت این نوع سازمانهای توده ای به ترتیبی تنظیم شود که با قوانین موجود مطابقت کند ، تا پولیس و مقامات دولتی نتوانند به بهانه مخالفت با قانون از تشکیل و فعالیت آنها جلوگیری کنند .

ـــ کارگران آگاهی که برای برآورده شدن مطالبات اقتصادی کارگران کار میکنند باید وضع موسسۀ تولیدی و ساختمانی را دقیقاً مطالعه کنند و بر اساس خواستهای بسیار ضروری ومشخص، تدریجا میان رفقای کارگر خود اندیشۀ قانونیت خواستها ، روحیۀ انضباط وهمبستگی و اتحاد نظر و عمل دستجمعی را تعمیم دهند، از قبیل افزایش معقول دستمزد، بهبود شرایط کار ، محدود ساختن ساعات کار بحدود قانونی ، تادیه دستمزد اضافی به نسبت کار اضافی، بیمه در مقابل حوادث ناشی از کار وبیکاری و بیماری ، جلوگیری از اخراج خلاف قانون ومقررات وقرارداد های کارگران، تامین وسایل تامیناتی دربرابر کار و دیگر خواستهای ضروری مطابق اوضاع و شرایط و وضع مشخص کار ... وغیره .

البته پس از آنکه مطالبات معین در میان کارگران عمومیت پیداکرد، آنگاه میتوان با درنظر گرفتن شرایط ، عمل دسته جمعی را باتوجه به روحیه وحدود درك ومقاومت کارگران وانتخاب صحیح زمان ، مطابق به شیوه های ذیل عنوان کرد :

از سال نامه های دسته جمعی به مدیر ویا رئیس مؤسسه تولیدی ویا ساختمانی ، بوزارت صنایع ومعادن ، بمراجع حکومتی (ولسوال یاوالی) ، مکاتیب سر گشاده به شوری وجراید ، شکایت جمعی بمراجع حکومتی ومقامات قضائی، تعیین نماینده یا هیات نمایندگی برای مذاکره و بحث با کار فرما یا آمر پروژه ، دست کشیدن محدود از کار بعنوان اعتراض ،اعتصاب کوچك (با تعیین زمان معین ومحدود) واعتصاب عمومی وغیره .

ولی در هر حال باید اعتصابات از چوکات انضباط کارگری بجانب ماجرا جوئی وهرج ومرج طلبی نگراید و حتی الامکان بهانه ئی برای حمله متقابل ارتجاع داده نشود وشعار ها از حدود معین شرایط مبارزه تجاوز نکند .

باید در نظر داشت که درین مرحله ودر تحت شرایط موجود ،عمل جمعی مسالمت آمیز و قانونی وخواست مشروع در صورت پیروزی خود (ولوجزئی هم باشد) وسیله نیرومندی برای تشکیل اتحادیه ها وسندیکا های کارگری وشناسائی رسمی حق اعتصاب کارگران در عمل وایجاد شور وشوق کارگری بشمار میرود وگام بگام کارگران را بسوی مبارزه وسیعتر دموکراتیك جلب میکند ، امر توسعه وتحکیم نهضت را بخاطرتحصیل آزادیها وحقوق دموکراتیك عمومی خلق تسهیل مینماید وامکان قانونی را (در پهلوی دیگر امکانات ، اشکال وصورتهای مبارزه مطابق به شرایط که باید از نظر دور نداشت) برای توسعه جنبش وسیع سیاسی وایدئولوژیك خلق کارگر تهیه وتدارك می بیند .

نتیجه :

تجربیات چند ماه اخیر نهضت کارگری کشور ونتایج حاصلۀ از آن،مبین این حقیقت است که کارگران پیشرو وپیشتاز کشور اولین ضربه را به ارتجاع سیاه وارد ساختند که در اثرآن نخستین نور آزادی برخلق رنجدیده افغانستان تابیدن گرفت.

اکنون باردیگر هیات حاکمه کشور علیه ابتدائی ترین آزادیهای مردم دست به تعرضاتی زده وباز هم در فکر توطئه ئی وسیعتر است . فئودالها ، سوداگران بزرگ دلال، ماموران بزرگ ملاك و تاجر پیشه رشوه ستان مواضع خودرا مستحکم میسازند ودر همه جا بر کارگران، دهقانان ، محصلان ،کارگران دفاتر (ماموران پائین رتبه) ظلم وستم روا میدارند ودر اطراف واکناف کشور ، در همه جا اعمال خود سرانه واستبداد قرون وسطائی مقامات حاکمه بمشاهده میرسد ومردم تحقیر میشوند . « ولی درسهای تلخ بهدر نخواهد رفت» خلق افغانستان دیگر آن خلق بیحال وخواب آلود نیست. کارگران جوان وطن وایدئولوژی پیشرو عصر ما «شیوه مبارزه را به آنها میآموزد وآنان را بسوی پیروزی رهنمون خواهد بود.»

در نتیجۀ این درسهای اعتصابی وپیشروی روز افزون نهضت کارگری کشور ، به بانگ رسا اعلام میداریم که پیکار قطعی هنوز در پیش است ودر مقابل ما ارتجاع باتمام نیرویش قرار گرفته است . لذا ضرورت حکم مینماید که هر چه زود تر بعمل خود بخودی و «غیر آگاهانه» نهضت کارگری خاتمه داده شود وتلاش پیگیر بعمل آید تا نقش تئوری مترقی و « عناصر آگاه» بمثابه رهنمون نهضت خود بخودی کارگری بسط وتوسعه یابد .

قانون عینی تکامل جامعه حکم مینماید که طبقه کارگر افغانستان به پیشآهنگی سازمان واحدومتمرکز سیاسی خود رشد و تکامل خواهد کرد و ازتجارب خود درس خواهد گرفت ؛ در جریان نهضت از پیچ وخم های مبارزه آگاهتر ، دلیر تر، هوشیار تر ، مؤثر تر ، آبدیده تر وسر بلند تر برون خواهد آمد وپرچم پیروزی و آزادی را برخواهد افراشت ؛ مبارزه اقتصادی ومبارزه عمومی سیاسی را علیه طبقه حاکمه ارتجاعی کشور دربیشاپیش نهضت آزادیبخش با هم درخواهدآمیخت؛ در جریان مبارزه بر حسب رسالت تاریخی خویش **نهضت دموکراتیك وملی** افغانستان رارهبری (هژمونی) خواهد کرد، بااتحاد نزدیك با دهقانان ودیگر نیرو های دموکراتیك و «عناصر زنده وپاکدامن» کشور آنرا به آخر خواهد رساند و باید هم به آخر برساند ، پایگاهای ارتجاع را در سراسر کشور منهدم خواهد ساخت ، یوغ استبداد ومقاومت هیات حاکمه مطلقه وارتجاعی را در هم خواهد شکست وسرانجام **نظام نوین ومترقی دموکراتیك خلق وجامعه سوسیالستی** را، که بمثابه آرمان وهدف غایی ماست ایجاد خواهد کرد .